

چرا واگرایی و تنش بر سر خوانش از تاریخ یک قرن گذشته ایران؟

بحث‌های سیاسی پر تنش بر سر تاریخ قرن چهاردهم خورشیدی ایران و تفسیرهای گاه بسیار متفاوت از رخدادها و شخصیت‌های تاریخی نشان می‌دهند که گروه‌های اجتماعی در درون جامعه ایران، گذشته نزدیک را به یک گونه مورد داوری قرار نمی‌دهند.

در اینجا بحث بر سر خود واقعیت‌های تاریخی و یا پژوهش‌های دانشگاهی درباره رخدادها و شخصیت‌های تأثیر گذار قرن

گذشته نیست. مسئله بر سر نوع فهم و خوانش گروه‌های اجتماعی از این رویدادها و شخصیت‌ها است.

حافظه جمعی به عنوان یک برساخت را نمی‌توان به صورت انتزاعی و جدا از تخیل اجتماعی و خلاقیت جمعی و بستر تاریخی هر

زمانه مورد بررسی و تحلیل قرار داد. به همین دلیل ما نه با یک حافظه جمعی که با حافظه‌های جمعی متفاوت و گاه رقیب در

جامعه سر و کار داریم که می‌توانند در کنار یکدیگر شکل گیرند، سیال باشند و متحول شوند. زنان، اقلیت‌های دینی یا اقلیتی

برای مثال می‌توانند روایت‌ها و خوانش‌های متفاوتی از گذشته تاریخی داشته باشند.

در جامعه بسته و در شرایط تنش سیاسی حاد تنوع و کثرت حافظه جمعی می‌تواند شکلی بحرانی به خود بگیرد. این پدیده به

وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن خوانش از یادبودها، نوع روایت‌های تاریخی، یا نمادهای مشترک یک جامعه به موضوع

اختلاف شدید، جدل، تردید، فراموشی یا تحریف می‌شوند. در چنین شرایطی حافظه‌های جمعی رقیب و متضاد، می‌توانند به منبع

دشمنی و بی‌اعتمادی بین گروه‌های اجتماعی مختلف تبدیل شوند به گونه‌ای که همبستگی اجتماعی و هویت جمعی دچار تزلزل یا

گسست گردد.

واگرایی و پراکندگی چشمگیر در حالی بر وجدان جامعه امروز ایران سنگینی می‌کند که در دهه‌های گذشته ما شاهد گسترش

چشمگیر پژوهش‌های تاریخی درباره ایران قرن چهاردهم خورشیدی به ویژه در دانشگاه‌های خارج از کشور بوده‌ایم. شاید بتوان

گفت هیچگاه انباشت ادبیات پژوهشی درباره تاریخ معاصر ایران ما تا این اندازه پرشمار نبوده است. هم‌زمان اما خوانش‌های

گوناگون از این گذشته هم تا این اندازه واگرایانه و متضاد نبوده است. این واگرایی درباره لحظات بحرانی و دردناک تاریخ

گذشته، شکست‌ها و یا رخدادهای تراژیک تاریخی به اوج خود می‌رسد.

خوانش از گذشته فقط به تاریخ و آنچه رخ داده است مربوط نمی‌شود و به اشکال گوناگون با آینده، هویت و پروژه‌های سیاسی و

اجتماعی موجود در جامعه هم رابطه‌ای تنگاتنگ پیدا می‌کند. حافظه‌ی جمعی به نوعی گذشته، حال و آینده را به هم مربوط می‌کنند

و رخدادها و شخصیت‌ها به نشانه‌های هویتی تبدیل می‌شوند و به هویت امروزی گروه‌ها، کنشگران و نخبگان سیاسی و تنش‌های

گوناگون میان آن‌ها و یا پروژه‌های آینده معنا می‌بخشند. داوری درباره شخصیت‌هایی چون رضا شاه، محمد رضا شاه، محمد

مصدق، روح‌الله خمینی و یا رخدادهایی مانند سقوط دولت مصدق در سال 1332، کنش‌های سیاسی در دهه‌های 1340 و 1350

و یا انقلاب 1357، حوادث پس از سال 1357 بخشی از هویت برخی از گروه‌ها و افراد را تشکیل می‌دهد.

خوانش‌های متفاوت از گذشته فقط به جامعه ایران مربوط نمی‌شود. آنچه ایران را شاید از سایر کشورها متمایز می‌کند نبودن

فضاهای متعارف برای طرح این خوانش‌ها و داوری‌ها و امکان بوجود آمدن گفتگو و بحث‌های سنجشگرانه درباره تاریخ و

رخدادهای مهم گذشته است. وجود دولتی که با سیاست حافظه جمعی ایدئولوژیک تلاش می‌کند روایت خود از گذشته را به

گونه‌ای یک جانبه از بالا به جامعه ایران تحمیل کند نقش مهمی را در به وجود آوردن این تنش در عرصه عمومی ایفا کرده

است.

هدف اصلی طرح این بحث در "آزادی اندیشه" بازگشت به چرایی این خوانش‌های واگرایانه از رخدادهای مهم یک قرن گذشته

است. در خوانش تاریخ گذشته چگونه می‌توان از دوگانه‌های متضاد ساده شده پرهیز کرد؟ پژوهش‌های دانشگاهی و بحث‌های

آکادمیک چگونه می‌توانند در کاهش تنش بر سر تاریخ و ایجاد خوانش منصفانه و انتقادی از گذشته نقش موثری ایفا کنند؟

پنج مقاله به زبان فارسی و 3 مقاله به زبان انگلیسی از ورودی‌های گوناگون به پدیده حافظه جمعی و تنش بر سر رابطه با گذشته

در جامعه امروز ایران و ریشه‌ها و نمودهای بیرونی آن‌ها می‌پردازند.

سعید پیوندی، نیره توحیدی

شماره 17، موضوع ویژه بحران حافظه جمعی در ایران (آذر 1404)

لینک ژورنال شماره ۱۷ در سایت انجمن آزادی اندیشه

<https://azadiandisheh.com/product/ftj17/>

کانال شخصی سعید پیوندی

<https://t.me/paivandisaeed>